**نام مقاله: بررسي رفتار استنادي اعضاء هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 47 \_ شماره سوم،جلد 12**

**پديدآور: ميترا پشوتتي زاده،مرتضي كوكبي**

**بررسي رفتار استنادي اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران**

ميترا پشوتني­زاده[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")

دكتر مرتضي كوكبي[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")

چكيده

اخلاق علمي در پژوهش، همواره استناد به نوشته‌هاي مورد استفاده در تأليف و تحقيق را ضروري ساخته است. استناد به مآخذ مورد استفاده، ابزاري براي رعايت حقوق معنوي افراد است و اين رعايت حقوق، به شكل پانويس و يا فهرست مآخذ انجام مي‌شود. وجود بيش از 30 روش مختلف براي استنادها و فهرست مآخذ نيز گوياي اهميتي است كه تاكنون به «روش» استناد داده شده است. اما يك پرسش همواره براي نويسندگان مقاله‌ها و گزارشهاي پژوهشي، بويژه دانشجويان و نويسندگان تازه كار، مطرح بوده و آن اين است كه اصولاً «چه موقع» بايد به آثار ديگران استناد كرد. بررسي نويسندگان اين نوشته نشان مي‌دهد تاكنون هيچ‌گونه تحقيقي درباره زمان مناسب براي استناد و دلايل آن، چه در ايران و چه در خارج از ايران، انجام نشده است. بنابراين، در اين پژوهش تلاش شده دلايلي كه از نظر اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران براي استناد در پژوهشها و تأليفات، مهم هستند، شناسايي شوند. پژوهشگران اميدوارند يافته‌هاي اين پژوهش بتواند براي تمامي پژوهشگران و مؤلفان در مورد زمان استناد در نوشته‌ها و تأليفاتشان، مفيد واقع شود.

كليدواژه‌ها: استناد اعضاي هيئت علمي، دانشگاه شهيد چمران، زمان استناد.

مقدمه و بيان مسئله

اخلاق علمي در پژوهش، همواره استناد به نوشته­هاي مورد استفاده در تأليف و تحقيق را ضروري ساخته است. «سلطاني و راستين» (1379: 14) استناد را اين گونه تعريف مي­كنند:

«يادداشت ارجاعي به اثري كه از آن عبارتي نقل شده است يا ارجاعي به يك اثر يا يك منبع موثّق به منظور اثبات صحّت يك مطلب يا يك نظر».

استناد به مآخذ مورد استفاده، ابزاري براي رعايت حقوق معنوي افراد است و اين رعايت حقوق، به شكل پانويس و يا فهرست مآخذ انجام مي­شود. «مهراد» (1386) معتقد است استناد و بررسي پيشينه­ها نشان­دهندة كيفيت پژوهش، عدم سرقت ادبي و بررسي متون به ميزان لازم است. «گارفيلد»[[3] (1376) نيز در مقالة خود چنين مي­نويسد: «نقل قول از نويسندگان ديگر و استناد دادن، امروزه نه تنها كاري حقير نيست، بلكه بسيار عالمانه است».](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")

وجود بيش از 30 روش مختلف براي استنادها و فهرست مآخذ نيز گوياي اهميتي است كه تاكنون به «روش» استناد داده شده است. امّا يك پرسش همواره براي نويسندگان مقاله‌ها و گزارشهاي پژوهشي، بويژه دانشجويان و نويسندگان تازه­كار مطرح بوده و آن اين است كه اصولاً «چه موقع» بايد به آثار ديگران استناد كرد. بررسي نويسندگان اين نوشته نشان مي­دهد تاكنون هيچ­گونه تحقيقي دربارة زمان مناسب براي استناد و دلايل آن، چه در ايران و چه در خارج از ايران، انجام نشده است. بنابراين، در اين پژوهش تلاش شده دلايلي كه از نظر اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران براي استناد در پژوهشها و تأليفات، مهم هستند، شناسايي شوند. پژوهشگران اميدوارند يافته­هاي اين پژوهش بتواند براي تمامي پژوهشگران و مؤلفان در مورد زمان استناد در نوشته­ها و تأليفاتشان مفيد واقع شود.

ضرورت پژوهش

«گارفيلد» (1376) مي­گويد: «هر چند در دستنامه انجمن زبانهاي مدرن و دستنامه‌هاي ديگر سبكها توضيحات دقيق بسياري در مورد «چگونگي» استناد كردن وجود دارد، اما دستورالعمل روشني براي اين‌كه «چه موقع» به متني استناد كنيم، ديده نمي­شود. بيشتر نشريه‌ها دستورالعملهاي لازم را براي مؤلفان تهيه كرده­اند، اما در مورد زمان استناد كردن توضيحي نداده­اند و هيچ دستورالعمل قاطعي در اين مورد وجود ندارد». او 15 دليل را براي استناد كردن ذكر كرده است و پيشنهاد مي­كند دانشمندان و مؤلفان نوشته­هاي خود را بررسي كنند و ببينند كه آيا اين 15 دليل را در نوشته­هاي خود در نظر داشته­اند.

با توجه به مطالب گفته شده، در اين پژوهش تلاش شده با نظرخواهي از اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران، در مورد 15 دليل استناد گارفيلد، مهمترين دلايل استناد مشخص گردد تا بدين وسيله به اعضاي هيئت علمي و دانشجويان ساير دانشگاه­ها و پژوهشگران در مورد زمان استناد در تأليفاتشان كمك شود و تازه­كاران بياموزند چه زماني بايد در نوشته­هاي خود از استناد استفاده كنند. به علاوه، نتايج اين پژوهش مي­تواند به همة پژوهشگران كمك كند تا گزارشهاي پژوهشي خود را از نقطه نظر زمان استناد، هماهنگ‌تر سازند و به استاداني كه مي‌خواهند در تدريس درسهايي مانند رساله، روش تحقيق، گزارش­نويسي و ...، زمان مناسب استناد را به دانشجويان بياموزند، ياري رساند. به طور كلي، مي­توان گفت نتايج اين پژوهش مي­تواند براي دانشگاه­ها و مؤسسه‌هاي آموزش عالي و پژوهشي و همه نهادهايي كه با پژوهش و گزارش آن ارتباط دارند، مفيد باشد.

هدف پژوهش

تعيين ديدگاه اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران در مورد زمان استناد در تأليفات، گزارشهاي پژوهشي و تدريس درسهاي روش پژوهش به دانشجويان.

پرسشهاي پژوهش

1.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي دانشكده­هاي مختلف در مورد دلايل استناد، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

2.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي زن و مرد در مورد دلايل استناد، تفاوت معناداري وجود دارد؟

3.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي با مدارك تحصيلي مختلف در مورد دلايل استناد، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

4.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي در مرتبه­هاي علمي مختلف، در مورد دلايل استناد، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

5.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي با سوابق آموزشي متفاوت، در مورد دلايل استناد تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

6.    آيا بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي زن و مرد در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه‌ وارسي تفاوت معناداري وجود دارد؟

7. آيا بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي دانشكده­هاي مختلف در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه وارسي تفاوتي معنا­دار وجود دارد؟

8. آيا بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي در مرتبه­هاي علمي مختلف در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه وارسي تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

9. آيا تفاوت معنا­داري بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي با سوابق آموزشي مختلف، در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه وارسي وجود دارد؟

10.آيا تفاوت معنا­داري بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي با مدارك تحصيلي مختلف در مورد هر يك از ماده­هاي سياهة وارسي وجود دارد؟

پيشينة پژوهش

نتايج بررسي پژوهشگران در رابطه با موضوع پژوهش براي پيشينه­هاي خارج و داخل كشور، به ترتيب به شرح زير است:

ـ پيشينة خارج از كشور

«گارفيلد» (1996) در مقاله خود با عنوان «چگونه استناد كنيم؟» معتقد است سنت علمي ايجاب مي­كند هرگاه دانشمند يا پژوهشگر مشهوري مقاله­اي منتشر مي­كند، بايد خوانندگان خود را به مقاله‌هاي قبلي كه به موضوع كار وي مربوط مي­شوند، ارجاع دهد. تصور بر اين است كه اين ارجاعات نشان­دهنده آن دسته از محققاني است كه مفاهيم، روشها، يا وسايلي كه به كار برده­اند، الهام­بخش نويسنده اخير در پديد آوردن مقاله­اش بوده­اند. چنين ارجاعهايي رويدادهاي پيشين يك فعاليت را نشان مي­دهند و اطلاعات كتابشناختي لازم را در اختيار خواننده­اي كه مايل است دربارة جنبه خاصي از موضوع اطلاعات بيشتري به دست آورد، قرار مي­دهند. او در نهايت 15 دليل را براي زمان استناد مطرح و اشاره مي­كند كه تاكنون تحقيقي در اين زمينه انجام نشده است.

«شارنهرست و تلوال»[[4] (2005) در مقالة «شبكه­هاي استنادي و فراپيوندي» چند عامل مستقيم يا غيرمستقيم شناخته شده مؤثر بر استناد را معرفي مي­كنند كه عبارتند از:](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ")

ـ تحقيقات روش­شناختي و مقاله‌هاي مروري كه معمولاً زياد مورد استفاده قرار مي‌گيرند.

ـ آثاري كه مفهوم يا پنداري را براي اولين بار بيان مي­كنند.

ـ رد كردن ادعاهاي ديگران

ـ نويسندگاني كه متعلق به يك كشور هستند، به يك زبان مي­نويسند و يا در يك محل مشغول به كار هستند، معمولاً بيشتر به يكديگر استناد مي­كنند.

آنها كمبود پژوهش در زمينة دلايل و انگيزه­هاي استناد را باعث ايجاد بحثها و اختلاف نظرها بين صاحب­نظران مي­دانند.

ـ پيشينه در ايران

«پريرخ و فتاحي» (1384) در كتاب «راهنماي نگارش مرور نوشتارها و پيشينة پژوهش» دلايل متفاوتي را (به نقل از نويسندگاني همچون هميلتون[[5]؛ آري، جيكوبز و رضويه) براي نوشتن پيشينه و استفاده از ديگر متون توسط پژوهشگران بيان كرده­اند. از جمله موارد مرتبط در اين كتاب با پژوهش حاضر، عبارتند از:](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ")

ـ شناسايي ديدگاه­ها، نكته­ها و يافته­هاي متضاد تحقيقات قبلي

ـ مشخص كردن چشم­انداز پژوهش در دست انجام

ـ شناسايي روشهاي پژوهشي كه مي­تواند براي پژوهش در دست انجام مفيد و مرتبط باشد.

ـ استفاده از ديگر متون در تفسير نتايج تحقيق

ـ بيان نظريه­ها، فرضيه­ها و مباحث عمده در زمينه موضوع مورد پژوهش.

«دياني» (1382) در فصل 4 از كتاب «گلوگاه­هاي پژوهش در علوم اجتماعي» به چند دليل استفاده پژوهشگران از منابع متفاوت در قسمت پيشينه و يا ديگر قسمتهاي پژوهش اشاره مي­‌كند:

ـ آگاهي محقق از وضعيت فعلي دانش رشته مورد نظر

ـ آشنايي با مفاهيم و ابزار

ـ برقرار نمودن رابطة منطقي و تاريخي بين تحقيق محقق و گروه مشابهي از تحقيقات قبلي

ـ وجود پيشينه به عنوان ضرورتي اجتماعي براي پذيرش تحقيق توسط جامعه علمي

ـ اطمينان از پرداختن به كاري جديد

ـ گرفتن ايده­اي نو

ـ ايجاد پشتوانة مثبت يا منفي براي مفروضات، يافته­ها و روشهاي تحقيق.

ابزار گردآوري داده­ها

به منظور نظرخواهي از اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران در مورد دلايل استناد، از سياهة وارسي استفاده شد. سياهة وارسي در سه قسمت «مشخصات فردي پاسخگو»، «ماده‌­ها» و «پرسش باز» تنظيم گرديد. ماده­هاي سياهه وارسي عبارتند از 15 دليلي كه گارفيلد (1996) در مقالة خود به آن به عنوان دلايل استناد اشاره كرده است.

براي تعيين روايي صوري (مفهوم بودن ماده­ها) و روايي محتوايي (مرتبط بودن ماده­ها با هدف پژوهش) سياهه وارسي، از 5 نفر از استادان كتابداري با استفاده از يك مقياس 5 درجه­اي ليكرت (خيلي­كم تا خيلي­زياد) نظرخواهي گرديد.

ميانگين و انحراف استاندارد پاسخهاي داده شده در مورد هر يك از ماده­‌ها، در جدول شماره 1 آمده است.

جدول 1. شاخصهاي توصيفي نظر استادان در مورد روايي صوري و محتوايي ماده­‌هاي سياهة وارسي

| رديف | ماده­ها | مقدار | ميانگين روايي صوري | انحراف استاندارد روايي صوري | ميانگين روايي محتوايي | انحراف استاندارد روايي‌محتوايي |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1 | ذكر نام و تكريم پيشكسوتان | 5 | 6/3 | 6/1 | 3 | 8/1 |
| 2 | اعتباربخشي به اثر مربوط (تكريم همكاران) | 5 | 2/3 | 6/1 | 6/3 | 6/1 |
| 3 | معرفي روش شناسي، ابزار و ... | 5 | 5/3 | 7/1 | 3/3 | 5/1 |
| 4 | ارائه منابع اطلاعاتي بيشتر براي مطالعه | 5 | 4 | 2/1 | 8/3 | 3/1 |
| 5 | تصحيح نوشته خودتان | 5 | 3 | 8/1 | 3 | 5/1 |
| 6 | بيان نوشته ديگران به منظور تصحيح آن | 5 | 6/2 | 5/1 | 3 | 8/0 |
| 7 | نقد اثر قبلي | 5 | 4/3 | 8/1 | 4/3 | 5/1 |
| 8 | اثبات ادّعاها | 5 | 4 | 7/0 | 4/4 | 5/0 |
| 9 | هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثري كه در شرف انتشار است (كه آنان نيز به هنگام استفاده از اين اثر، استناد بدهند) | 5 | 4/3 | 6/1 | 3 | 6/1 |
| 10 | شناساندن آثاري كه به طور نامناسبي نمايه‌سازي و توزيع شده يا به آنها استناد نگشته است | 5 | 3 | 8/1 | 5/2 | 9/1 |
| 11 | اعتباربخشي به داده­ها و قسمتي از واقعيّت ـ ثابتهاي فيزيكي و ... | 5 | 4 | 4/1 | 75/4 | 5/0 |
| 12 | شناساندن انتشاراتي كه براي اوّلين بار ايده يا مفهومي درآنها مورد بحث قرار گرفته است | 5 | 2/4 | 8/0 | 6/4 | 5/0 |
| 13 | شناساندن اثري كه براي اولّين بار معرف مفهومي مبيّن نام عرضه‌كنندة آن است (مانند بيماري هاجكينز، قانون پارتو، واكنش فريدل ـ كرافتس و ...) | 5 | 4/3 | 8/1 | 8/3 | 1 |
| 14 | انكار اثر يا عقايد ديگران (ادّعاهاي انكاري) | 5 | 6/3 | 4/1 | 8/3 | 3/1 |
| 15 | بررسي دعاوي حقّ تقّدم ديگران | 5 | 75/3 | 2/1 | 75/3 | 95/0 |

با توجه به ميانگين و انحراف استاندارد مقادير حاصل از اظهارنظر استادان، مي­توان نتيجه گرفت مفهوم بودن و مرتبط بودن ماده­هاي اين سياهه وارسي به غير از ماده­هاي 6 و 10، متوسط يا بالاتر از آن ارزيابي شده­اند. در مورد دو مادة اخير، تغييرات لازم اعمال و در نتيجة سياهه وارسي از روايي صوري و محتوايي برخوردار گرديد.

در قسمت پرسش باز نيز از پاسخگويان خواسته شد چنانچه در نوشته‌­هاي خود به دليلي (دلايلي) غير از دلايل ذكر شده، به استناد مي­پردازند، آنها را بيان كنند.

جامعة آماري

با توجّه به هدف پژوهش حاضر، سياهه­هاي وارسي بايد براي پاسخگويي در اختيار اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران قرار مي­گرفت. بر اساس اطلاعات كسب شده از بانك اطلاعاتي دانشگاه شهيد چمران، تعداد اعضاي هيئت علمي 11 دانشكده مستقر در اهواز، 447 نفر بود كه بر اساس جدول كرجسي ـ مورگان، تعداد نمونه اين پژوهش 205 نفر محاسبه شد.

به منظور اطمينان از اينكه افراد نمونة پژوهش حاضر با پژوهش و تأليف به ميزان قابل قبولي آشنايي دارند، بر اساس سياهة خاصي انتخاب شدند. با استفاده از بانك اطلاعات دانشگاه شهيد چمران، اسامي اعضاي هيئت علمي هر دانشكده همراه با تعداد كارهاي پژوهشي هر فرد (اعم از طرح پژوهشي، مقاله، كتاب و ...) مشخص و سياهه­اي از اسامي افراد بر اساس كارهاي پژوهشي، به ترتيب از زياد به كم، تهيه شد. سپس بر اساس نسبت جمعيت اعضاي هيئت علمي، هر دانشكده به جمعيت كل اعضاي هيئت علمي دانشگاه، تعداد افراد نمونه از هر دانشكده تعيين گرديد (جدول شماره 2). با استفاده از اين اطلاعات، افراد نمونه به ترتيب از بالاي سياهه مذكور كه بر اساس تعداد پژوهشها از زياد به كم مرتب شده بود، در هر دانشكده تعيين شدند.

جدول2. تعداد افراد نمونه از هر دانشكده

| رديف | دانشكده | تعداد اعضاي هيئت علمي هر دانشكده | نسبت اعضاي هيئت علمي هر دانشكده به كل جمعيّت اعضاي هيئت علمي دانشگاه | تعداد  افراد نمونه |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1 | مهندسي علوم آب | 21 | 5/4 | 9 |
| 2 | مهندسي | 49 | 5/10 | 22 |
| 3 | كشاورزي | 57 | 5/12 | 26 |
| 4 | علوم رياضي و آمار | 31 | 8/6 | 14 |
| 5 | علوم تربيتي و روانشناسي | 44 | 8/9 | 20 |
| 6 | علوم | 76 | 8/16 | 33 |
| 7 | دامپزشكي | 50 | 1/11 | 23 |
| 8 | تربيت بدني و علوم ورزشي | 20 | 3/4 | 9 |
| 9 | الهيّات و معارف اسلامي | 23 | 5 | 10 |
| 10 | اقتصاد و علوم اجتماعي | 39 | 6/8 | 18 |
| 11 | ادبيات و علوم انساني | 47 | 2/10 | 21 |
| 12 | جمع | 447 | 100 | 205 |

روش آماري پژوهش

براي تجزيه و تحليل داده­هاي پژوهش از آمار توصيفي همچون ميانگين، انحراف استاندارد و درصد فراواني و آمار استنباطي شامل آزمون تي و مجذور كاي استفاده شده است.

محدوديت پژوهش

از آنجا كه سياهه­هاي وارسي در اختيار اعضاي هيئت علمي فعّال در امر پژوهش قرار گرفت و بيشتر اين افراد مشغلة كاري فراواني داشتند، درصد پاسخگويي به سياهه­هاي وارسي از مقدار مورد انتظار پايين­تر بود.

جدول 3. درصد بازگست سياهة وارسي از هر دانشكده

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رديف | دانشكده | درصد بازگشت سياهه  وارسي از هر دانشكده |
| 1 | الهيّات و معارف اسلامي | 18% |
| 2 | تربيت بدني و علوم ورزشي | 20% |
| 3 | دامپزشكي | 20% |
| 4 | كشاورزي | 4/21% |
| 5 | علوم رياضي و آمار | 27% |
| 6 | علوم | 29% |
| 7 | مهندسي علوم آب | 30% |
| 8 | مهندسي | 7/41% |
| 9 | علوم تربيتي و روانشناسي | 4/45% |
| 10 | ادبيات و علوم انساني | 52% |
| 11 | اقتصاد و علوم اجتماعي | 100% |

همان­طور كه مشاهده مي­شود، اعضاي هيئت علمي دانشكده‌­هاي «اقتصاد و علوم اجتماعي»، «ادبيات و علوم انساني» و «علوم تربيتي» بيشترين و دانشكده­‌هاي «الهيات و معارف اسلامي»، «تربيت بدني و علوم ورزشي» و «دامپزشكي» كمترين ميزان پاسخگويي را داشته­‌اند.

تجزيه و تحليل داده­ها

از تعداد 205 نفري كه براي نمونه در نظر گرفته شده بودند، 84 نفر (41%) سياهه وارسي را تكميل كردند. از آنجا كه سياهه وارسي در 3 قسمت طراحي شده بود، تجزيه وتحليل داده­ها نيز بر اساس همين 3 قسمت صورت مي­گيرد.

ـ مشخصات فردي پاسخگويان

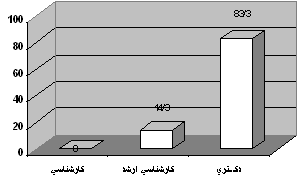
از پاسخهاي داده شده به قسمت جنسيّت مشخص شد از ميان پاسخگويان به اين سياهة وارسي، 12 نفر (3/14%) زن و 72 نفر (7/85%) مرد بودند.

در قسمت دوم مشخصات فردي از پاسخگويان خواسته شده بود تا رشتة تحصيلي خود را مشخص كنند، ولي از آنجا كه تنوّع و گستردگي اين رشته­ها بسيار است، اطلاعات اين قسمت در قالب دانشكده­ها گروه­بندي و در جدول شماره 3 بر اساس فراواني هر دانشكده از كم به زياد، نشان داده شده است. به علاوه، در اين جدول مشخص شده است كه چند درصد از جمعيت نمونه­اي كه براي هر دانشكده در نظر گرفته شده بود، به سياهة وارسي پاسخ داده­اند.

جدول 4. درصد فراواني پاسخگويان در هر دانشكده

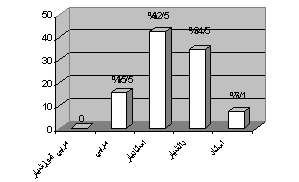
|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رديف | دانشكده | درصد فراواني |
| 1 | تربيت بدني و علوم ورزشي | 4/2% |
| 2 | الهيّات و معارف اسلامي | 4/2% |
| 3 | مهندسي علوم آب | 6/3% |
| 4 | علوم رياضي و آمار | 8/4% |
| 5 | دامپزشكي | 6% |
| 6 | كشاورزي | 1/7% |
| 7 | مهندسي | 9/11% |
| 8 | علوم تربيتي و روانشناسي | 9/11% |
| 9 | علوم | 1/13% |
| 10 | ادبيات و علوم انساني | 3/14% |
| 11 | اقتصاد و علوم اجتماعي | 6/22% |

72 نفر (7/85%) از اعضاي هيئت علمي پاسخگو، داراي مدرك دكتري و 12 نفر (3/14%) داراي مدرك كارشناسي ارشد مي­باشند (نمودار شماره 1).



نمودار 1. مقطع تحصيلي پاسخگويان

همان­طور كه از نمودار شماره 2 مشخص است، مرتبة علمي بيشتر پاسخگويان (9/42%)، استاديار و كمترين تعداد (1/7%) مربوط به مرتبة استادي است.



 نمودار 2. مرتبة علمي پاسخگويان

سابقة آموزشي 25% پاسخگويان (بيشترين تعداد) مربوط به رده­هاي 11ـ15 و 16ـ20 سال و 6/3% (كمترين درصد) مربوط به سابقه آموزشي 26ـ30 سال است. جدول 4، اطلاعات مربوط به ديگر رده­ها را نيز نشان مي­دهد.

جدول 5. سابقه آموزشي پاسخگويان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| رديف | سابقه آموزشي | فراواني | درصد فراواني |
| 1 | 1ـ5 | 14 | 7/16% |
| 2 | 6ـ10 | 11 | 1/13% |
| 3 | 11ـ15 | 21 | 25% |
| 4 | 16ـ20 | 21 | 25% |
| 5 | 21ـ25 | 5 | 6% |
| 6 | 26ـ30 | 3 | 6/3% |
| 7 | 30 به بالا | 9 | 7/10% |

در آخرين پرسش اين قسمت، از اعضاي هيئت علمي خواسته شده بود تا تعداد انتشارات خود را به تفكيك كتاب و مقاله بنويسند. جدول 5، ميانگين تعداد انتشارات را براي اعضاي هيئت علمي هر دانشكده نشان مي­دهد.

جدول 6. ميانگين تعداد انتشارات هر يك از اعضاي هيئت علمي هر دانشكده

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| رديف | دانشكده | مقاله | كتاب |
| 1 | ادبيات و علوم انساني | 8/8 | 6/1 |
| 2 | اقتصاد و علوم اجتماعي | 31/9 | 3/1 |
| 3 | الهيّات و معارف اسلامي | 16 | 5/6 |
| 4 | تربيت بدني و علوم ورزشي | 3/11 | 1/1 |
| 5 | دامپزشكي | 8/26 | 6/1 |
| 6 | علوم | 8/8 | 8/0 |
| 7 | علوم تربيتي و روانشناسي | 33/42 | 67/3 |
| 8 | علوم رياضي و آمار | 33/18 | 1 |
| 9 | كشاورزي | 33/16 | 3 |
| 10 | مهندسي | 37/9 | 63/0 |
| 11 | مهندسي علوم آب | 33/65 | 3 |

ـ ماده­هاي سياهة وارسي

همان­طور كه قبلاً گفته شد، با استفاده از مقالة گارفيلد، 15 موردي كه در زمان استناد معمولاً به آنها توجه مي­شود، در سياهه لحاظ و در مورد آنها با استفاده از يك طيف 5 تايي ليكرت از اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران نظرخواهي شد. جدول زير، درصد فراواني دو گزينه «كم» و «خيلي­كم» و گزينه­هاي «زياد» و «خيلي ­زياد» را روي هم رفته به ترتيب ماده­ها نشان مي­‌دهد.

جدول 7. درصد فراواني دو گزينه «كم» و «خيلي ­كم» و گزينه­هاي «زياد» و «خيلي‌زياد»

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| رديف | ماده­ها | درصد فراواني خيلي­كم و كم | درصد فراواني خيلي­زياد و زياد | رتبه |
| 1 | ارائه منابع اطلاعاتي بيشتر براي مطالعه | 6/9% | 8/79% | 1 |
| 2 | معرفي روش شناسي، ابزار و ... | 6% | 4/77% | 2 |
| 3 | شناساندن انتشاراتي كه براي اولّين بار ايده يا مفهومي درآنها مورد بحث قرار گرفته است | 3/8% | 4/77% | 3 |
| 4 | اثبات ادّعاها | 1/13% | 2/76% | 4 |
| 5 | اعتباربخشي به داده­ها و قسمتي از واقعيّت ـ ثابتهاي فيزيكي و ... | 5/9% | 7/66% | 5 |
| 6 | ذكر نام و تكريم پيشكسوتان | 19% | 5/59% | 6 |
| 7 | اعتباربخشي به اثر مربوط (تكريم همكاران) | 9/11% | 3/57% | 7 |
| 8 | تصحيح نوشته خودتان | 1/19% | 2/57% | 8 |
| 9 | شناساندن اثري كه براي اولّين بار معرف مفهومي مبيّن نام عرضه كننده آن است (مانند بيماري هاجكينز، قانون پارتو، واكنش فريدل ـ كرافتس و ...) | 5/16% | 7/54% | 9 |
| 10 | بيان نوشتة ديگران به منظور تصحيح آن | 1/35% | 7/41% | 10 |
| 11 | نقد اثر قبلي | 7/35% | 6/41% | 11 |
| 12 | هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثري كه در شرف انتشار است (كه آنان نيز به هنگام استفاده از اين اثر، استناد بدهند) | 3/45% | 2/26% | 12 |
| 13 | بررسي دعاوي حقّ تقّدم ديگران | 50% | 8/23% | 13 |
| 14 | شناساندن آثاري كه به طور نامناسبي نمايه سازي شده، توزيع شده يا به آنها استناد نگشته است | 50% | 4/22% | 14 |
| 15 | انكار اثر يا عقايد ديگران (ادّعاهاي انكاري) | 2/70% | 1/13% | 15 |

همان­طور كه مشاهده مي­شود، در ماده­هاي 1 تا 9% فراواني دو گزينه «زياد» و «خيلي­ زياد»، بيش از 50% است؛ بدين معنا كه بيشتر از نيمي از پاسخگويان اين موارد را در هنگام استناد در نوشته­هاي خود و يا آموزش به دانشجويان خود در نظر دارند و اين مسئله بيانگر اهميت بالاي اين ماده­ها از نظر اعضاي هيئت علمي در هنگام استناد است. اگر چه در ديگر ماده­ها درصد فراوانيِ دو گزينة آخر از 50% كمتر است، اما در مورد ماده­هاي    10 و 11% فرواني دو گزينه «زياد» و «خيلي­ زياد» از دو گزينه «خيلي­ كم» و «كم» بيشتر است. اين مسئله نشان مي­دهد اگرچه اهميت اين دو ماده به ميزان 9 مادة مذكور نيست، ولي براي بيشتر اعضاي هيئت علمي، به ميزان قابل توجهي حايز اهميت بوده است. در ماده­هاي 12 تا 15% فراواني دو گزينه «خيلي­ كم» و «كم» بيشتر از دو گزينه «زياد» و «خيلي ­زياد» و غير از ماده شماره 12 حتّي بيشتر و يا مساوي 50 است كه بيانگر توجه اندك به اين ماده­ها در هنگام استناد است.

ـ پرسش باز

پرسش باز در سياهه وارسي به منظور بيان مطالبي در رابطه با دلايل ديگر استناد از سوي پاسخگويان لحاظ گرديد و 9 نفراز پاسخگويان به شرح زير به آن پاسخ داده­اند:

ـ يك استاد علوم تربيتي ذكر كرده كه در استناد دادن، رعايت صحت و امانت در بهره­گيري از افكار، آرا و يافته­هاي ديگران بسيار اهميّت دارد.

·استادياري از رشتة دامپزشكي گفته است در مقاله‌هاي دامپزشكي، بيشتر همخواني يا مطابقت نداشتن مقاله‌ها با كار حاضر مدّنظر قرار مي­گيرد و در بقيه موارد نيز از مقاله‌ها به علّت مشابهت در روش پژوهش و مرور پيشينه­ها، استفاده مي­گردد.

·يك مربي در رشته مهندسي خاك‌شناسي معتقد است در تمامي آثار و مقاله‌ها، مجموعه­اي از ماده­هاي ذكر شده مورد توجه قرار مي­گيرد تا يك اثرِ قابل اعتماد و داراي اعتبار علمي استخراج شود.

·دانشياري از رشته هيدرولوژي، شناساندن استادان و محققاني كه بيشترين آثار چاپ شده (اعم از تصنيف، تأليف، ترجمه) را در كشور دارند، يكي ديگر از دلايل استناد برشمرده است.

· يك استاديار رشتة علوم قرآن و حديث، يكي از دلايل استناد را توصيف و تفهيم اصطلاحات و مباحث مطرح در رشتة خود مي­داند.

·دو استاديار رشته اقتصاد به ترتيب معتقدند براي نشان دادن تراكم و حجم كار انجام شده در زمينه­اي خاص و به منظور اعتبار بخشي به يك نظريه، ادعا و يا نتايج علمي از استناد استفاده مي­كنند.

· يك استاد ادبيات فرانسه، عينيت و اقتدار بخشيدن به كار تحقيق، صداقت و امانت را از جمله دلايل استناد مي­داند.

·يك استاديار رشته تاريخ در باب نوع منابعي كه در رشته تاريخ مورد استناد قرار مي­گيرد، سخن گفته است. او معتقد است «در پژوهشهاي تاريخي، اولويت با منابع متقدم يا به عبارت ديگر منابع مربوط به حادثة يا نزديك به حادثه تاريخي است كه در پژوهشهاي تاريخي با عنوان «منبع» معروفند. اما به منابع تحقيقاتي جديدي كه به «پژوهش يا تأليف جديد» معروف است، كمتر استناد مي­شود. منابع و تحقيقات جديد با استناد به ماده 4 اين پرسشنامه، مي­تواند در شناسايي منابع متقدم كمك نمايند».

نكته قابل توجه در نظرهاي ارائه شده، احساس ديني است كه نسبت به متن اصلي در پژوهشگران وجود دارد. با وجود اين احساس، مي­توان مطمئن بود به هر دليلي كه اين گروه از پژوهشگران از يافته­ها و دستاوردهاي ديگران استفاده كنند، به آن استناد خواهند داد. توضيحات ارائه شده توسط برخي پاسخگويان نيز تفاوت كاربرد استناد را در رشته‌هاي مختلف نشان مي­دهد. ولي در كل مي­توان چنين برداشت كرد كه بيشتر نظرها به نحوي بر اهميت امر استناد تأكيد دارد و دلايل متفاوت استفاده از آن را برشمرده­اند. برخي از آنها مفهوم ماده­هاي «اثبات ادعاها» و «ذكر نام و تكريم پيشكسوتان» را در برداشته و گروه ديگر دلايل عبارت بودند از: توصيف و تفهيم اصطلاحات، نشان دادن حجم كار انجام شده و اعتبار و اقتدار بخشيدن به تحقيق.

پاسخگويي به پرسشهاي پژوهش

براي پاسخگويي به 5 پرسش اول پژوهش، از آزمون تي و براي بقية پرسشها از آزمون مجذور كاي با در نظر گرفتن ضريب اطمينان 95% استفاده شده است كه البته پاسخ به 3 پرسش اول پژوهش، يعني:

1.    آيا بين مجموع نظرهاي اعضاي هيئت علمي در مورد دلايل استناد در دانشكده‌هاي مختلف، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

2.    آيا بين مجموع نظرهاي اعضاي هيئت علمي زن و مرد در مورد دلايل استناد، تفاوت معناداري وجود دارد؟

3.    آيا بين مجموع نظرهاي اعضاي هيئت علمي با مدارك تحصيلي مختلف در مورد دلايل استناد، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

به علّت اينكه تعداد افراد در دانشكده­ها (پرسش اول)، تعداد زنان (پرسش دوم) و تعداد افراد در مقطع كارشناسي ارشد (پرسش سوم) كمتر از 30 نفر بود، امكان اين مقايسه وجود نداشت[[6].](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ")

4.    آيا بين مجموع نظرات اعضاي هيئت علمي در مرتبه­هاي علمي مختلف در مورد دلايل استناد، تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

به علّت اينكه تعداد افراد در برخي مرتبه­ها كمتر از 30 نفر است، مرتبه­هاي استاديار و پايين­تر از آن با يكديگر و مرتبه­هاي بالاتر از آن نيز با هم ادغام شدند. بدين ترتيب،     49 نفر در گروه اول و 35 نفر در گروه دوم جاي گرفتند. محاسبة مقدار 16/0 براي آزمون تي، بيانگر نبود تفاوت معنا­دار در نظرهاي اين دو گروه است؛ بدين معنا كه تقريباً تمامي مرتبه­هاي علمي در مورد دلايل و زمان استناد نظرهاي مشابهي دارند.

5.    آيا بين مجموع نظرهاي اعضاي هيئت علمي با سوابق آموزشي مختلف، در مورد دلايل استناد تفاوت معنا­داري وجود دارد؟

باز به همان دليل پيشين، ادغام 3 گروه اول (از 15 سال به پايين) با يكديگر و         4 گروه بعدي (16سال به بالا) انجام شد. بنابراين، جمعيت گروه اول 46 و گروه دوم       38 نفر به دست آمد. محاسبة مقدار 32/0 براي آزمون تي، بيانگر نبود تفاوت معنادار در نظرات اين دو گروه است. بنابراين، تقريباً تشابه نظرها در بين اعضاي هيئت علمي با سوابق آموزشي مختلف ديده مي­شود.

6.    آيا تفاوت معنا­داري بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي زن و مرد در مورد هر يك از ماده‌هاي سياهة وارسي وجود دارد؟

با توجه به اينكه براي انجام آزمون مجذور كاي نبايد كمتر از 20% خانه­ها مقدار فراواني مورد انتظار كمتر از 5 و هيچ يك از خانه­ها نبايد فراواني مورد انتظار كمتر از يك داشته باشند، براي پاسخ به اين پرسش و ديگر پرسشهاي اين قسمت، ادغام گزينه­هاي خيلي­كم و كم، و خيلي­زياد و زياد سياهه وارسي با يكديگر و تقسيم مساوي گزينه متوسط بر روي اين دو قسمت انجام و طيف 5تايي به طيف 2تايي (كم و زياد) تبديل گشت. همان­طور كه جدول شماره 8 نشان مي‌دهد، هيچ تفاوت معناداري در نظرهاي زنان و مردان در رابطه با هر يك از ماده‌­هاي سياهة وارسي وجود ندارد.

7. آيا تفاوت معنا­داري بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي در مقاطع مختلف تحصيلي در مورد هر يك از ماده­‌هاي سياهة وارسي وجود دارد؟

در مورد اين پرسش نيز نتايج تجزيه و تحليل داده­ها بيانگر نبود تفاوتي معنا­دار در نظرات اعضاي هيئت علمي است (جدول شماره 8).

8. آيا تفاوت معنا­داري بين ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي دانشكده­هاي مختلف در مورد هر يك از ماده­هاي سياهة وارسي وجود دارد؟

با وجود در نظر گرفتن طيف 2 تايي براي اين قسمت، به علّت كم بودن جمعيت پاسخگويان هر دانشكده، تحليل داده­ها براي اين پرسش امكان­پذير نبود.

9. آيا تفاوت معنا­داري در ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي در مرتبه­هاي علمي مختلف در مورد هر يك از ماده­‌هاي سياهة وارسي وجود دارد؟

علاوه بر گزينه­ها، مرتبه­ها نيز همچون قبل ادغام شدند تا نتيجة مطمئن­تر و بهتري كسب شود. نتايج محاسبات، بيانگر نبود تفاوتي معنا­دار در نظرات است (جدول شماره 8).

10.آيا تفاوت معنا­داري در ديدگاه­هاي اعضاي هيئت علمي با سوابق آموزشي مختلف، در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه وارسي وجود دارد؟

سوابق آموزشي همچون قبل به دو گروه 15 سال به پايين و 16 سال به بالا تقسيم شدند. نتايج حاكي از نبود تفاوتي معنا­دار در مورد هر يك از ماده­هاي سياهه است (جدول شماره 8).

جدول 8. مقادير مجذور كاي هر ماده

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رديف | ماده­ها | جنسيت | مقطع تحصيلي | مرتبه­ علمي | سابقه آموزشي |
| 1 | ذكر نام و تكريم پيشكسوتان | 52/0 | 85/0 | 41/0 | 44/0 |
| 2 | اعتباربخشي به اثر مربوط (تكريم همكاران) | 46/0 | 71/0 | 33/0 | 39/0 |
| 3 | معرفي روش شناسي، ابزار و ... | 25/0 | 25/0 | 52/0 | 72/0 |
| 4 | ارائه منابع اطلاعاتي بيشتر براي مطالعه | 25/0 | 25/0 | 2/0 | 32/0 |
| 5 | تصحيح نوشته خودتان | 69/0 | 32/0 | 14/0 | 29/0 |
| 6 | بيان نوشتة ديگران به منظور تصحيح آن | 24/0 | 47/0 | 97/0 | 12/0 |
| 7 | نقد اثر قبلي | 15/0 | 15/0 | 1/0 | 17/0 |
| 8 | اثبات ادّعاها | 9/0 | 9/0 | 31/0 | 48/0 |
| 9 | هشدار به پژوهشگران، نسبت به اثري كه در شرف انتشار است (كه آنان نيز به هنگام استفاده از اين اثر، استناد بدهند) | 83/0 | 33/0 | 48/0 | 42/0 |
| 10 | شناساندن آثاري كه به طور نامناسبي نمايه سازي شده، توزيع شده يا به آنها استناد نگشته است | 6/0 | 26/0 | 39/0 | 34/0 |
| 11 | اعتباربخشي به داده­ها و قسمتي از واقعيّت ـ ثابتهاي فيزيكي و ... | 29/0 | 77/0 | 3/0 | 42/0 |
| 12 | شناساندن انتشاراتي كه براي اوّلين بار ايده يا مفهومي درآنها مورد بحث قرار گرفته است | 06/0 | 9/0 | 11/0 | 49/0 |
| 13 | شناساندن اثري كه براي اوّلين بار معرف مفهومي مبيّن نام عرضه‌كنندة آن است (مانند بيماري هاجكينز، قانون پارتو، واكنش فريدل ـ كرافتس و غيره) | 69/0 | 38/0 | 25/0 | 29/0 |
| 14 | انكار اثر يا عقايد ديگران (ادّعاهاي انكاري) | 64/0 | 64/0 | 5/0 | 92/0 |
| 15 | بررسي دعاوي حقّ تقّدم ديگران | 23/0 | 38/0 | 71/0 | 73/0 |

نتيجه­گيري

با توجّه به هدف پژوهش حاضر، «تعيين ديدگاه اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران در مورد زمان استناد در تأليفات، گزارشهاي پژوهشي و تدريس دروس روش پژوهش به دانشجويان»، سياهة وارسي با استفاده از مقاله گارفيلد (1996) در مورد زمان و دلايل استناد تهيه شد و در اختيار اعضاي هيئت علمي فعّال در زمينة پژوهش قرار گرفت. همان­طور كه مشاهده شد، بيشتر پاسخگويان به اين سياهة وارسي، مرد (7/85%)، داراي مدرك دكتري (7/85%)، مرتبه علمي استادياري (9/42%) و سپس دانشياري (5/34%)، و 11ـ20 سال سابقه آموزشي (50%) بودند. ولي وجود اعضاي هيئت علمي فعّال در امر پژوهش كه از لحاظ مرتبه علمي و سابقة آموزشي در سطح پايين­تري قرار داشتند، بيانگر آن است كه هر چند مدرك، مرتبة علمي و سابقة آموزشي عاملهايي تأثيرگذار در امر پژوهش هستند، ولي شرط لازم نيستند. همچنان‌كه در سياهة تهيه شده از اعضاي هيئت علمي هر دانشكده موارد بسياري از افراد با مدارك، سابقه آموزشي و مرتبة علمي بالا ديده شد كه از نظر فعاليت پژوهشي در سطح پاييني قرار داشتند.

با توجّه به اينكه سياهه­هاي وارسي در اختيار فعّال­ترين افراد در امر پژوهش قرار گرفت، مشاهدة مقدار ميانگين مقاله‌ها و كتابها در بعضي دانشكده­ها همچون علوم، مهندسي، ادبيات و علوم انساني و ... پايين به نظر مي­رسد. شايد اين­طور استنباط شود كه در رشته­هاي عملي و كاربردي همچون مهندسي و علوم، بيشتر فعاليتها به صورت آزمايشگاهي و پروژه­هاي مختلف انجام مي­شود و اعضاي هيئت علمي اين دانشكده­ها ضرورتي براي نوشتن احساس نمي­كنند و يا وقت آن را ندارند. ولي كسب بالاترين ميانگين (33/65) مقاله براي هر عضو هيئت علمي دانشكده مهندسي علوم آب (يك رشته عملي) و كمترين ميانگين (8/8) مقاله براي رشتة ادبيات و علوم انساني، اين استنباط را نقض مي­كند. نتايج اين قسمت و قسمت پيشين، بيانگر آن هستند كه پژوهش و تأليف امري خودانگيخته است و مدارج و مدارك بالا، دليلي براي پژوهشگر بودن نيست، بلكه اين انگيزه و توان علمي افراد است كه آنان را به تأليف ترغيب مي‌نمايد.

در مورد داده­هاي سياهه وارسي نيز همان­طور كه مشاهده شد (جدول شماره 7) از ديدگاه اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران، «ارائه منابع اطلاعاتي بيشتر براي مطالعه»، «معرفي روش‌شناسي، ابزار و غيره»، «شناساندن انتشاراتي كه براي اولين بار ايده يا مفهومي درآنها مورد بحث قرار گرفته است» و «اثبات ادّعاها» از مهمترين دلايل استناد در متون و تأليفات ارزيابي شدند، زيرا درصد فراواني اين 4 ماده بسيار به يكديگر نزديك است، ولي ماده «اعتباربخشي به داده‌ها و قسمتي از واقعيّت ـ ثابت­هاي فيزيكي و ...» كه در رتبه 5 قرار دارد، با ماده 4 داراي اختلافي در حدود 10% در درصد فراواني دو گزينه خيلي­زياد و زياد است. علاوه بر اين، برخي پاسخگويان نيز در قسمت پرسش باز، دلايل ديگري را كه آنها را به استفاده از استناد در تأليفاتشان ملزم مي­نمايد، بيان كردند كه عبارت بود از: توصيف و تفهيم اصطلاحات، نشان دادن حجم كار انجام شده، و اعتبار و اقتدار بخشيدن به تحقيق.

انجام آزمونهاي مختلف تي و مجذور كاي، هيچ­گونه تفاوت معناداري را در سطح اطمينان 95% در نظرات پاسخگويان نشان نداد. اين مسئله بيانگر آن است كه پاسخها تقريباً از يكدستي برخوردار و از نظر اكثريت اعضاي هيئت علمي، اولويت اهمّيت هر ماده از سياهة وارسي، تقريباً منطبق بر همان رتبه­هايي است كه در جدول شماره 7 به آنها اختصاص يافته است.

پيشنهادها

ـ پيشنهاد مي­شود اعضاي هيئت علمي در هنگام تدريس درسهاي روش تحقيق، رساله، گزارش­‌نويسي و ... به دانشجويان، بر روي مهمترين دلايل استناد كه در اين پژوهش به آنها اشاره شد بيشتر تأكيد داشته باشند و در تأليفات خود نيز آنها را در نظر گيرند.

ـ همان­طور كه گفته شد، غير از مقالة گارفيلد، در هيچ مقالة ديگري دلايل استناد بررسي نشده بود. بنابراين، پيشنهاد مي­شود علاوه بر 15 دليلي كه گارفيلد براي استناد برشمرده است، دلايل «توصيف و تفهيم اصطلاحات»، «نشان دادن حجم كار انجام شده»، و «اعتبار و اقتدار بخشيدن به تحقيق» نيز كه از سوي برخي از اعضاي هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران ذكر شده، به عنوان دلايل استناد در نظر گرفته شوند.

منابع

ـ پريرخ، مهري و رحمت‌الله فتاحي (1384). راهنماي نگارش مرور نوشتارها و پيشينه پژوهش در حوزه علوم انساني و اجتماعي. تهران: كتابدار.

ـ ديّاني، محمدحسين (1382). گلوگاه­هاي پژوهش در علوم اجتماعي. مشهد: كتابخانه رايانه­اي، 1382.

ـ سلطاني، پوري و فروردين راستين (1379). دانشنامه كتابداري و اطلاع­رساني: فارسي ـ انگليسي و انگليسي ـ فارسي. تهران: فرهنگ معاصر.

ـ گارفيلد، يوجين (1376). چگونه استناد كنيم؟ ترجمه عبدالحسين فرج پهلو. مجله علوم تربيتي و روانشناسي، دوره 3، سال 4، شماره­هاي 1 و 2 (بهار و تابستان). 127ـ141.

ـ مهراد، جعفر (1386). چرا ارزيابي؟ نظام استنادي علوم كشورهاي اسلامي: بعدي تازه در نمايه­سازي. سخنراني در اولين همايش سراسري علم­سنجي در علوم پزشكي. اصفهان، 15/12/1386.

- Garfield, Eugene (1996). When to Cite? Library Quarterly, 66(1), 419-458.

- Scharnhorst, Andrea & Thelwall, Mike (2005). Citation and Hyperlink Networks. Current Science, Vol. 98, Nos. 9 & 10 (November). 1518-1524.

1. كارشناس ارشد كتابداري و اطلاع­رساني و دانشجوي دكتراي كتابداري دانشگاه شهيد چمران

 Pashootanizade@gmail.com

2. استاد گروه كتابداري دانشكاه شهيد چمران Kokabi80@yahoo.com

1. Garfield.

1. Scharnhorst & Thelwall.

1. Hamilton.

1. براي كسب نتيجة مناسب از آزمون تي، بهتر است تعداد افراد جامعه از 30 نفر بيشتر شود.